

اشغال عراق

محسن الویری

فرصتهای فراروی امت اسلامی

چکیده:

اشغال نظامی عراق از سوی آمریکا بدون تردید تهدیدهایی را برای امت اسلامی همراه داشته است، اما بر اساس تفکر و تربیت دینی نه تنها باید در مواجهه با این تهدیدها شکینا و استوار بود، بلکه باید آنها را به فرصتی برای پیشبرد اهداف خود از یک سو و مبارزه با دشمن از سوی دیگر تبدیل کرد. در قرآن و روایات و سنت و سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و معصومان علیهم السلام رهنمودها و نمونه هایی آشکار در این زمینه وجود دارد. لذا باید در کنار شناخت درست تهدیدهای ناشی از لشکرکشی شیطان بزرگ به سرزمینهای اسلامی، فرصتهای پدید آمده در سایه آن را نیز شناخت. مهم ترین این فرصتها عبارتند از: فراهم آمدن امکان افشای هویت منحط نظام حکومتی آمریکا؛ فراهم آمدن زمینه اتحاد همه کشورهای اسلامی علیه دشمن واحد؛ بروز بحران معرفتی غرب و زیر سؤال رفتن کارایی ایدئولوژی لیبرال دمکراسی؛ امکان شناساندن آموزه هایی از دین اسلام به نیروهای دشمن به صورت مستقیم؛ فراهم آمدن امکان نشان دادن زیباییهای چهره اسلام و مسلمانان به مردم جهان؛ قطعیت یافتن ضرورت مبارزه جدی و همه جانبه با آمریکا و اثبات بیهودگی راههایی مانند مذاکره؛ توجه یافتن مسلمانان به تواناییها و اهرمهای قدرت استفاده نشده خود.



آنچه در روزهای نخستین سال جدید شمسی در عراق اتفاق افتاد از منظرهای مختلف از جمله از جنبه نظامی، از جنبه فرهنگی، از جنبه تبلیغاتی و عملیات روانی، از جنبه عاطفی، از جنبه سیاسی و مانند آن در بردارنده نکات و تأملاتی سزاوار بررسی است. در نگاه نخست، این حادثه تهدیدی جدی برای امت اسلامی و یادآور سالهای تلخ سیطره نظامی و آشکار دولتهای غربی بر شرق اسلامی در قرنهای نوزدهم و بیستم است. همان طور که حضور ناپلئون در مصر به سال ۱۷۹۸م. آغاز یک مرحله جدید در روابط شرق و غرب و آغاز استیلای غربیها بر شرق به حساب می آید، حضور نظامی آمریکاییها و انگلیسها در عراق نیز زنگ خطر بازگشت این استیلا را به صدا در آورده است. اما این تهدید از منظری دیگر فرصتی است فراروی امت اسلامی که اگر به درستی شناخته شود و به کار گرفته شود، می تواند اثرات مخرب و منفی این تهدید را نیز مهار نماید و یا کاهش دهد و یا حتی آن را به نقطه ای برای تهاجم به دشمن تبدیل کند. توجه به این نکته ضروری است که اصولاً در تفکر اسلامی، هر تهدیدی برای یک مؤمن یک فرصت به حساب می آید و مؤمن باید بکوشد تهدیدهای درونی و پیرامونی خود را به فرصت مبدل سازد.

قرآن در بیان ماجرای غزوه خندق می گوید آن هنگام که احزاب از بالا و پایین بر مسلمانان هجوم آوردند و چشمها خیره شد و قلبها به حنجره آمد و به خداوند گمانهایی برده شد و مؤمنان آزموده شدند و سخت لرزیدند (احزاب / ۱۰ و ۱۱) مؤمنانی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را اسوه خود قرار داده بودند، در مقابل این تهدید جز بر ایمان و سرسپردگی شان افزوده نشد (احزاب / ۲۲). یعنی مؤمنان این تهدید ویرانگر را به فرصتی برای تقویت

ایمان خود مبدل ساختند.

از بخشهای مختلف روایات ما نیز همین فرهنگ برداشت می شود. مثلاً نعمت شمرده شدن بلاء و مصیبت در همین چارچوب قابل درک است. امام موسی بن جعفر علیهما السلام فرمودند:

لن تكونوا مؤمنین حتی تعدوا البلاء نعمة!

مؤمن نخواهید بود مگر اینکه بلاء را نعمت شمردید.

امام صادق علیه السلام نیز فرمودند:

المصائب منح من الله!

مصیبتها عطا و بخششهایی از سوی خداوندند.

و نیز از آن امام همام نقل شده است که:

البلاء زين للمؤمن و كرامة لمن عقل لأن في مباشرة و الصبر عليه و الثبات عنده تصحيح نسبة الايمان.^۲

بلاء زینت مؤمن و کرامت خردورزان است زیرا در

گرفتار آمدن به آن و شکیبایی بر آن و استواری در رویارویی با آن ایمانگروی تصحیح می شود.

همچنین روایات مربوط به صبر و استقامت در مشکلات و حزم و حلم در مصیبتها و امیدواری در سختیهای زندگی می تواند به عنوان نمونه هایی دیگر در این زمینه مد نظر قرار گیرد.

پیامبر خدا محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم نیز قهرمان میدان تبدیل تهدیدها به فرصتها بود. به عنوان نمونه در سال هفتم بعثت آن بزرگوار وقتی مشرکان

اصولاً در تفکر اسلامی، هر تهدیدی برای یک مؤمن یک فرصت به حساب می آید و مؤمن باید بکوشد تهدیدهای درونی و پیرامونی خود را به فرصت مبدل سازد.



تصمیم به تحریم بنی هاشم گرفتند و هر نوع پیوند زناشویی و خرید و فروش و مرادۀ اجتماعی با آنها را تحریم کردند و حتی تصمیم گرفتند در منازعات قبیلگی جانب دشمن بنی هاشم را بگیرند، شرایطی بسیار سخت و شکننده برای مسلمانانی که به حبشه هجرت نکرده بودند پدید آمد، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با ابتکار استقرار مسلمانان در شعب ابی طالب نه تنها پیامدهای منفی عاطفی، روانی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی این تحریم همه جانبه را کاهش داد، بلکه از این موقعیت برای تقویت پیوندهای اجتماعی مؤمنان و تمرین زندگی در یک جامعه نمونه اسلامی بهره گرفت و مسلمانان را در تجربه یک زندگی دینی همراه با قناعت و مواساة و ایثار و همدلی و از خودگذشتگی قرار داد، تجربه ای که در جامعه اسلامی بعد از هجرت به مدینه بسط داده شد. و بدین سان تهدید

سازند. اکنون نیز امت اسلامی در مواجهه با تهدید ناشی از حضور نظامی بی سابقۀ آمریکا در منطقه و اشغال بخشی از سرزمینهای خود، باید برای تبدیل این تهدید به فرصت چاره اندیشی کنند. مهمترین فرصتهایی که پس از اشغال نظامی عراق برای مسلمانان پدید آمده است چنین است:

۱- فراهم آمدن امکان افشای هویت منحط نظام حکومتی آمریکا - به رغم تلاش وسیع رسانه های صهیونیستی و آمریکایی برای انسانی جلوه دادن جنبه هایی از هجوم سربازان شیطان به رهبری آمریکا، شدت وحشی گری و غیرانسانی بودن رفتارهای آنها در مواجهه با مردم بی دفاع و مظلوم عراق فرصتی مناسب برای نمایاندن زشتیهای فراوان سیرت آنها فراهم آورده است. اکنون می توان به روشنی و با تکیه بر نمونه هایی



روشن و مکرر از رفتارهای

آمریکاییها، دروغ بودن ادعاهای بشردوستانۀ آنها و متحدان معدودشان را نشان داد. اگر هنوز وجه هایی از نظام آمریکا نزد قشرهایی از مردم جهان جذاب و زیبا می نمود، اینک می توان چهرۀ کریه پنهان شده در ورای زیبانماییها را نمایاند. در همین زمینه، اقدامات آشکار و پنهان حاکمان و سازمانهای امنیتی آمریکایی برای محدود کردن آزادی و دمکراسی در داخل آمریکا وجه دیگری از انحطاط روز افزون نظام آمریکایی است که برجسته ساختن آن در ذهن مردم جهان در پرتو شرایط جدید ممکن شده است.

تحریم همه جانبه

مسلمانان از سوی مشرکان، با ابتکار و درایت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به فرصتی برای پیشبرد اهداف دعوت نبوی تبدیل شد.

بنابراین در تربیت و فرهنگ دینی ما، مؤمنان و پیروان راستین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اهل بیت علیهم السلام باید بلایا و مصیبتها و تهدیدها را به فرصتی برای تعالی بیشتر بدل

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با ابتکار استقرار مسلمانان در شعب ابی طالب نه تنها پیامدهای منفی عاطفی، روانی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی تحریم همه جانبه قریش را کاهش داد، بلکه از این موقعیت برای تقویت پیوندهای اجتماعی مؤمنان و تمرین زندگی در یک جامعه نمونه اسلامی بهره گرفت و مسلمانان را در تجربه یک زندگی دینی همراه با قناعت و مواساة و ایثار و همدلی و از خودگذشتگی قرار داد.

۲- فراهم آمدن زمینه اتحاد همه کشورهای اسلامی علیه دشمن واحد - مبارزه ملت‌های مسلمان علیه استعمار خارجی تا پیش از این به دلیل تعدد دشمنان، مبارزه ای منسجم و یکپارچه نبود. مثلاً مبارزات مردم لیبی علیه استعمار ایتالیا و مبارزات مردم الجزایر علیه فرانسه و مبارزات مردم هند علیه انگلستان و به همین ترتیب مبارزات مردم هر کشوری علیه اشغالگران حاکم و حاضر در همان کشور بود. البته جبهه استعمار نیز در آن روزگار جبهه ای واحد و یکپارچه نبود و دولتهای مغرب زمین به فراخور توان و امکانات خود در بخشهایی از سرزمینهای اسلامی به غارتگری مشغول بودند. امروزه آمریکا میراث دار استعمار کهنه است و نقشی را که دولتهای مختلف اروپایی در عهد استعمار قدیم ایفا می کردند، اینک خود به تنهایی بر عهده گرفته است. به همین دلیل تمایل خود را برای

۳- بروز بحران معرفتی غرب و زیر سؤال رفتن کارآیی ایدئولوژی لیبرال دمکراسی - اگر ماجرای حمله نظامی به عراق پیش نمی آمد، شاید سخن اندیشمندان همگرا با اصحاب سلطه در باره پایان تاریخ به سود اندیشه لیبرال دمکراسی لااقل به عنوان یک اندیشه، شایسته درنگ و تأمل به نظر می رسید؛ اما وقتی دولتمردان نظام آمریکا که عصاره و نتیجه تمدن غرب به حساب می آیند در صدند تاریخ را به زور اسلحه به سود خود رقم زنند، آشکار می شود که ایدئولوژی لیبرال دمکراسی و جاهت لازم را برای پذیرش در همه جهان ندارد و آمریکا نیز نه از راه اندیشه بلکه به مدد سرنیزه در پی کسب سیادت بر دنیاست. نشان دادن این بحران اندیشه و معرفت در غرب^۱ و تبیین درست آن از جمله گامهای ضروری

۵



سیطره مستقیم و غیرمستقیم بر همه جهان - که از افغانستان و عراق آغاز شده است - بی هیچ پروا برزبان می آورد، لذا اینک مسلمانان در هر سرزمینی که باشند در برابر دشمنی واحد قرار گرفته اند. وحدت دشمن می تواند به وحدت و هماهنگی در مبارزه با او کمک کند. هماهنگی در مبارزه با دشمن واحد زمینه ساز درک ضرورت وحدت رهبری در مبارزه است و باید با بهره گیری از این شرایط جدید همه مسلمانان را به سوی هماهنگی در روشهای مبارزه و وحدت رهبری فراخواند.

برای غبار برگرفتن از چهره پاک اندیشه اسلامی و نشان دادن توانمندی آن برای پاسخگویی به نیازهای معرفتی و روحی بشر بحران زده امروز است.

۴- امکان شناساندن آموزه هایی از دین اسلام به نیروهای دشمن به صورت مستقیم - حضور

وظیفه مبلغان دینی غیرحکومتی است که با انتشار جزوات و نوارهای صوتی و لوح فشرده قرآن و معارف اسلام ناب و تاریخ مسلمانان و حتی اعزام مبلغانی برای گفتگوی حضوری با این میهمانان مزاحم و اشغالگر و ناآگاه، وظیفه دعوی خود را برای معرفی اسلام به همه انسانها انجام دهند.

روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی



است که در حد مقدمات خود با بهره گیری از توجه جهانی به آنها و افزایش تمایل مردم جهان به مطالعه در باره اسلام، لاقابل بخشهایی از دروغ پردازیهای آنها را فاش سازند و جهان را با لایه هایی از زلال اندیشه اسلامی و مظلومیت و حقانیت مسلمانان آشنا سازند.

۶- قطعیت یافتن ضرورت مبارزه جدی و همه جانبه با آمریکا و اثبات بیهودگی راههایی مانند گفتگو - با حاکمیتی که زبان منطق را نمی شناسد، چگونه می توان سخن گفت؟ اینکه آمریکا قرنیه را که نخستین سال آن «سال گفتگوی تمدنها» نام گرفت با نظامی گری ستمکارانه و نادیده گرفتن قوانین بین المللی آغاز کرد، اثبات می کند که هویت این نظام غیرتمدنی است و شایستگی طرف گفتگوی تمدنی قرار گرفتن را ندارد. بنابراین، اگر پیش از این نیز خام اندیشانی به امکان کارآمدی گفتگو با دشمن اصلی می اندیشیدند، اکنون اگر با از دایره انصاف بیرون نهند باید بپذیرند که مبارزه با این دشمن اصلی اسلام و بشریت یک ضرورت اجتناب ناپذیر است و روزنه کوچک امید به سودمندی گفتگو با وحشی گری آنها مسدود شده است و این نکته از جمله مزیتها و فرصتهایی است که باید قدر آن را شناخت.

۷- توجه یافتن مسلمانان به تواناییها و اهرمهای قدرت استفاده نشده خود - مسلمانان در مواجهه با استکبار جهانی تاکنون نه از همه امکانات خود بهره گرفته اند و نه از امکانات و اهرمهای به کار گرفته شده به خوبی استفاده کرده اند. در میدان مبارزه همه جانبه با استکبار که

سربازان و نیروهای آمریکایی در منطقه خاورمیانه که کانون اصلی اسلام خواهی است، فرصت خوبی برای آشنا ساختن آنها با آموزه های فکری و اخلاقی و رفتاری دین اسلام فراهم آورده است. این

اقدامات آشکار و پنهان حاکمان و سازمانهای امنیتی آمریکایی برای محدود کردن آزادی و دموکراسی در داخل آمریکا وجه دیگری از انحطاط روز افزون نظام آمریکایی است که برجسته ساختن آن در ذهن مردم جهان در پرتو شرایط جدید ممکن شده است.

سربازان که معمولاً تحت یک فشار سنگین تبلیغاتی علیه اسلام هستند اگر با واقعیت اندیشه اسلامی آشنایی یابند، چه بسا به ظرفیتی نو برای ضربه زدن به دشمن تبدیل شوند. وظیفه مبلغان دینی غیرحکومتی است که با انتشار جزوات و نوارهای صوتی و لوح فشرده قرآن و معارف اسلام ناب و تاریخ مسلمانان و حتی اعزام مبلغانی برای گفتگوی حضوری با این میهمانان مزاحم و اشغالگر و ناآگاه، وظیفه دعوی خود را برای معرفی اسلام به همه انسانها انجام دهند. طبیعی است دسترسی به آمریکاییهای حاضر در خیابانهای افغانستان و عراق آسان تر از دسترسی به آنها در پادگانهای خود در آمریکا یا خارج آمریکاست.

۵- فراهم آمدن امکان نشان دادن زیباییهای چهره اسلام و مسلمانان به مردم جهان - توجه افکار عمومی جهانی حین و پس از اشغال عراق بیش از پیش متوجه مسلمانان شد و با وجود برنامه ریزی سنگین صاحبان رسانه ها برای مشوه جلوه دادن چهره مسلمانان، اکنون این فرصت ولو به صورت نسبی برای مسلمانان پدید آمده



- سرانجام توان

تأثیرگذاری کشورهای اسلام در

معادلات بین‌المللی.



اکنون خواسته یا ناخواسته وارد

آن شده ایم، باید همه قابلیت‌ها و راه بهره‌گیری از آنها را شناخت و همه آنها را به کار بست. پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم مادام که با اصلی‌ترین سنگر توطئه علیه اسلام و دولت اسلامی مدینه یعنی مشرکان مکه در جنگ بود، با رعایت مسائل انسانی و اخلاقی از همه امکانات سیاسی و نظامی و فرهنگی و روانی برای ضربه زدن به آنها بهره‌گرفت و اکنون نیز مسلمانان باید با تاسی به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در مقابل جبهه کفر آمریکایی که با همه امکانات به میدان مبارزه آمده است، همه امکانات و مقدرات و تواناییهای خود را به کار بندند.

نمونه‌هایی از فرصت‌ها و اهرم‌های فشار مسلمانان علیه آمریکا چنین است:

- ضربه‌پذیری دفاتر و نمایندگیهای سیاسی و اقتصادی آمریکا در منطقه؛

- ظرفیت بسیار بالای مسلمانان ساکن غرب و به ویژه آمریکا برای مشکل‌آفرینی در درون نظام سلطه (در آخرین موج مهاجرت مسلمانان به آمریکا که پس از جنگ جهانی دوم آغاز شد، اکثر مهاجران افرادی با هویت دینی و گرایش اسلامی بوده‌اند که در برابر فعالیتهای هویت‌زدای آمریکایی از خود واکنش نشان داده و می‌دهند و بخشی قابل توجه از فرزندان نسل‌های پیشین مهاجران مسلمان نیز اکنون در پی کسب هویتی نو برای خود در پرتو دین اسلام هستند)؛

- ضربه‌پذیری دلار در صورت جایگزین کردن ارزی دیگر (مانند دینار اسلامی و یا حتی یورو) به جای آن،

- ناامنی داخل آمریکا و امکان پیگیری انتقال مقرر سازمان ملل به یک کشور دیگر؛

طبیعی است توجه دادن به این فرصت‌ها به مفهوم کم‌اهمیت شمردن تهدیدهای ناشی از حضور نظامی آمریکا و تقویت صهیونیسم و غفلت از آن نیست و همزمان با استفاده از فرصت‌ها، باید برای کاهش پیامدهای تهدیدها نیز همت گماشت، ولی از یاد نباید برد که بهترین روش مبارزه با یک تهدید استفاده از فرصتهایی است که در سایه آن تهدید پدید آمده است.

پی‌نوشتها:

۱- الری شهری، محمد، میزان الحکمه، ج ۱، ص ۴۸۶ (به نقل از الکافی، ج ۲، ص ۲۶۰)

۲- همو، ص ۴۸۷ (به نقل از الکافی، ج ۲، ص ۲۶۰)

۳- همو، ص ۴۸۷ (به نقل از بحارالانوار، ج ۶۷، ص ۲۳۱)

۴- برای بحثی در این زمینه، رک، افروغ، عماد، رنسانسی دیگر، تهران، کتاب آشنا، ۱۳۸۱، ج ۱، فصل دهم، «چاشنها و بحرانهای معرفتی غرب»، صص ۱۷۱-۱۸۱

۵- اطلاعاتی سودمند در این زمینه در بخشهای مختلف کتاب «اسلام در آمریکا» وجود دارد. این کتاب به کوشش رامین خانگی در مرکز مطالعات فرهنگی - بین‌المللی سازمان فرهنگ و ارتباطات گردآوری و ترجمه و در سال ۱۳۸۱ از سوی انتشارات بین‌المللی الهدی چاپ شده است.

